



امنیت روانی در امن و امان است؟

تو مسئول گلت هستی! ببخشید این از دیا لوگ های روباه و شازده کوچولو بود. البته خودشان دیگر بعد از سال ها مدل حرف زدنشان عوض شده است و دیگر از این جملات قصار رد و بدل نمی کنند ولی ما دست بردار نیستیم. منظورم این بود که تو مسئول امنیت شهرت هستی؛ باید حواست به امنیت روانی همشهری هایت باشد.

رعایت فاصله طولی / در کوچه ها و خیابان های خلوت و تاریک موقع راه رفتن، فاصله طولی را با نفر جلویی رعایت بفرمایید. آدم در چنین شرایطی توقع ندارد گلزار پشت سرش باشد، توهم دزد و زورگیر برش می دارد!

زل زدن ممنوع / فرقی ندارد شما دختر باشید یا پسر، پیر باشید یا جوان، حتی اگر الان بچه ای دور ویرتان هست، لطفاً به او بگویید حق ندارد به دیگران زل بزند. خیره نگاه کردن به دیگران، یعنی تجاوز به حریم شخصی آن ها؛ نه شرع می پسندد، نه عرف و نه اخلاق.

این جا کوچه است نه عروسی / خوش تیپی و زیبایی و آراستگی را که خب کسی اگر دوست نداشته باشد، عجیب است و دکترا لازم! اما مسئله این جاست که چه قدر در کوچه و خیابان (کوچه و خیابان شهر من با قواعدِ خاصی خودش) آراسته باشم که به امنیت روانی دیگران لطمه ای وارد نکنم؟

متلک جرم است / متلک انداختن و مسخره کردن، نه شوخی است، نه تفریح! مزاحمت خیابانی است، آزاردهنده و برخورد؛ محض اطلاع باید بگویم که هم جرم محسوب می شود، هم بیماری.

شهروندان کوچک را در بایید

بچه ها با آداب و حق و حقوق شهروندی در شهر آشنا می شوند؛ یعنی در همین کوچه و خیابانی که کسی حواشش به آن ها نیست، همه چیز را می بینند و ثبت می کنند.

❖ اگر سالخورده و بیمار نیستید لطفاً بچه ها را در اتوبوس و مترو (و کلا هر جای صندلی دار دیگری) از جایشان بلند نکنید. شاید عجیب به نظر برسد اما بچه ها هم خسته می شوند! نفس ۱۰ سال بزرگ تر بودن حق و حقوقی برای شما ایجاد نمی کند که بخواهید به بچه ای که کوله بزرگ مدرسه را حمل می کند و ایستادن در اتوبوس با جثه کوچک آذیتش می کند، چپ چپ نگاه کنید تا از جایش بلند شود! ❖ اگر سالخورده و بیمار هم هستید، بچه ها را با تحکم از جایشان بلند نکنید. خوب است بچه ها از سن کم احترام به بزرگتر و گذشت را یاد بگیرند اما ممکن است رفتار شما را با زورگویی و سوء استفاده از قدرت اشتباه بگیرند.

❖ وقتی از صبح تا شب در خیابان گشته اید و انواع آلودگی ها را به خودتان جذب کرده اید، لازم نیست دست نوازش به سروصورت بچه های مردم بکشید، از دور اظهار محبت بفرمایید. ضمن این که گاهی نزدیک شدن به بچه ها و چلانیدنشان ! آنها را می ترساند گاهی کم هلاکف شان می کند.

❖ افراد کوچکتر از شما در صف ها، آدمیزاد هستند نه موانع بازی های رایجانه ای؛ دور زدن و پیچاندنشان امتیاز ندارد!

مصاحبه با دکتر حسین اکبری، جامعه شناس و استاد دانشگاه فردوسی مشهد

دیگرانی که ما نیستیم!

همه ما تقریباً هر روز در حال شکایت از دست کسانی هستیم که حقوق و آداب شهروندی را رعایت نمی کنند؛ آدم هایی که نمی بینیم اما ردپای رفتارشان گوشه و کنار شهر هست. در کوچه و خیابان زباله ریخته می شود و قوانین راهنمایی و رانندگی رعایت نمی شود و دعوا و کتک کاری راه می افتد اما کسی نیست که این کارها را انجام بدهد؛ حداقل ما نیستیم! برای حل کردن این تناقض و پیدا کردن دیگرانی که آداب شهروندی را رعایت نمی کنند، از دکتر حسین اکبری (جامعه شناس و استاد دانشگاه) کمک گرفتیم.

❖ خودمان را خوب می دانیم و دیگران را بد

دکتر اکبری می گوید: «بجای وجود دارد به نام دوگانگی اخلاقی؛ یعنی وقتی ما خودمان را خیلی خوب می دانیم و دیگران را خیلی بد. مثلاً در مطالعه ای درباره میزان دروغ گویی، ما متوجه شدیم ۸۵ درصد افراد معتقدند دیگران زیاد دروغ می گویند اما این میزان در مورد خودشان، بسیار اندک است. به طور کلی واقع بینی درباره عادات نادرست و اشتباهات رفتاری وجود ندارد»

❖ فردگرایی خودخواهانه

می دانیم مشکلات وقتی حل می شود که بپذیریم وجود دارد؛ تا وقتی دیدگاهمان «من خوبم، تو بدی» باشد، اوضاع متفاوت نخواهد شد. دکتر اکبری، به جز ویژگی های شخصیتی و اخلاقی، سهمی را هم برای شرایط محیطی قائل است. وی در این باره می گوید: «یکی از دلایل رعایت نکردن حقوق دیگران، فردگرایی خودخواهانه است (یک نوع فردگرایی مثبت هم داریم به نام فردگرایی نهادینه شده که شخص، هم به دنبال منافع خودش است و تلاش می کند منافع جمع را رتقا دهد)، یعنی افراد به دنبال منافع خودشان هستند ولو به قیمت ضرر رساندن به دیگران. اما شرایط اجتماعی و محیطی این مسئله را تشدید می کند؛ مثلاً رفتار خودخواهانه راه ندادن به دیگران در رانندگی، در خیابان هایی که مناسب و استاندارد نیست خودش را بیشتر نشان می دهد. کسی که در شهر شلوغ و پرترافیک رانندگی بدی دارد، در یک شهر کوچک و خلوت، رفتار متفاوتی خواهد داشت.»

❖ جریمه در دیگر کشورها، برای آموزش نیست

تأثیر شرایط اجتماعی را نمی توان انکار کرد. اما بسیار دیده ایم و شنیده ایم که مثلاً در فلان کشور، با وجود ترافیک و شلوغی بسیار، احترام به قانون و حقوق دیگران بسیار جدی گرفته می شود. آیا مجازات ها و جریمه های سنگینی که در این کشورها برای رعایت نکردن قوانین وجود دارد، عامل کنترل کننده و بازدارنده است؟ دکتر اکبری می گوید: «جریمه، در این کشورها، برای آموزش انجام نمی شود. مقررات از کودکی به صورت جدی و اصولی آموزش داده می شود. با این همه، اگر خطایی از کسی سر بزند، به خاطر آسیب رساندن به دیگران است که مجازات می شود.»

❖ فرهنگ به مرور اصلاح می شود

درباره تأثیر آموزش در بحث آداب شهروندی، حرف های زیادی گفته و تلاش هایی هم انجام شده است. آیا این تلاش ها به قدر کافی تأثیرگذار بوده است؟ دکتر اکبری معتقد است آموزش شهروندی یک پروسه است نه پروژه و اضافه می کند: «فرهنگ را باید به مرور اصلاح کرد و این اصلاح، زمان بر است. آموزش اخلاق شهروندی را باید از سن کم شروع کرد؛ به این ترتیب افراد به مرور یاد می گیرند آنچه را در جامعه وجود دارد راحت نپذیرند؛ و یاد می گیرند با ایجاد یک نظام ارزشی و هنجاری جدید، نظام قدیم را به چالش بکشند و اصلاح کنند.»



مروری بر آداب و اخلاق شهروندی که فقط از دیگران توقع انجامشان را داریم

خرده جنایت های شهروندی!

الیه توانا= مهسا فارسی/ میزان توجه شما به آداب شهروندی چقدر است؟ آیا شما هم از این که مسافران تا کسی در طول مسیر کرایه خود را آماده نمی کنند تا موقع پیاده شدن وقت دیگران را نگیرند، حرص می خورید؟ یا خدای نکرده از آن افرادی هستید که همیشه در همه صف ها، در ترافیک، نوبت دکتر، صف نان و... به دنبال تصاحب نوبت دیگران و به اصطلاح جلو زدن هستید؟ شاید بگویید پیش آمده است که عجله داشتم یا فلان مشکل. اعصابی برآیم باقی نگذاشته بود چه برسد به این که بخواهم به آداب در ست شهروندی فکر کنم. نکته این جاست که این روزها هر کدام از ما به اندازه خودمان دغدغه های کوچک و بزرگی داریم که می تواند به راحتی اعصابمان را درگیر کند و جایی برای سرو کله زدن یا فرهنگ و آداب شهروندی نگذارد اما اگر قرار باشد همه همین فکر را بکنند که دیگر سنگ روی سنگ بند نمی شود. به طور کلی فرهنگ شهروندی، مجموعه رفتارهایی است که «ما، بیرون از خانه، در مغازه، بانک، کوچه و خیابان، تاکسی، اتوبوس و مترو انجام می دهیم. رعایت نظافت فردی، سیگار نکشیدن، با تلفن همراه صحبت نکردن تا جایی که امکان دارد، بوق بی جا زدن و... را که زیاد گفته اند و زیاد شنیده ایم. اما در ادامه از بین صدها نکته قابل تأمل، بعضی هایش را یادآوری کرده ایم تا در جریان آنچه در درون شهر می گذرد قرار بگیریم و ببینیم آیا لایه لای این مثال ها با خودمان هم مواجه می شویم؟ در گفت و گویی با یک جامعه شناس قدری به ریشه یابی رفتارهای این شکلی پرداخته ایم تا ببینیم چرا با وجود آن که همه ما اذعان داریم که یک سری رفتارها نادرست است باز هم آن ها را انجام می دهیم؟!

مقایسه جریمه های شهروندی در کشورهای مختلف

اصول و آداب شهرنشینی در کشورهای مختلف، کامیابش یکسان است؛ تفاوت ها بیشتر مربوط می شود به رعایت کردن این آداب از طرف مردم و مجازات عدم رعایشان، از طرف قانون. در این بخش، میزان جریمه ای را که در ایران و چند کشور دیگر برای رعایت نکردن حقوق دیگران، تعیین شده است با هم مقایسه می کنیم:

ایران	سنگاپور	کره	ژاپن
ریختن هر گونه زباله، مایعات و اشیاء از درون خودرو به معابر ممنوع است و طبق قانون ۳۰ هزار تومان جریمه دارد.	زباله ریختن هزار دلار جریمه دارد؛ چهارم فرد متخلف باید با پیشبینی که روی آن نوشته شده «من شهر را کثیف کرده ام» خیابان ها را جارو کند.	جریمه ریختن زباله در خیابان های کره برابر با ۱۱ تا ۱۳ درصد پایه حقوق یک کارمند است.	هر کس کوچک ترین زباله یا آب دهان در معابر عمومی بریزد، ۸۰ تا ۱۶۰ یورو جریمه می شود.

ایران	کانادا	سنگاپور	انگلستان
انداختن آب دهان از خودرو به معابر، جریمه دارد.	در کانادا جریمه این کار بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار است.	این جریمه در سنگاپور حداکثر ۵۰۰ دلار برای اولین بار و ۱۰۰ دلار برای دومین بار، است.	جریمه انداختن آب دهان در خیابان های این شهر تا ۱۰ پوند است.

ایران	ویتز	ژاپن	امریکا
خودروهایی که آلودگی صوتی تولید کنند، جریمه می شوند.	در ونیز اگر کسی چرخ های چمدانش را روی سنگ فرش بکشد و صدای ناخوشایند ایجاد کند، تا ۵۰۰ یورو جریمه می شود.	در این کشور سروصدا کردن در ساعات ممنوع، ۹۰۰۰ دلار جریمه دارد.	در آمریکا هم جریمه ایجاد آلودگی صوتی در ساعات ممنوع، ۵۰۰ دلار است.

آقاببخشید، این چنده؟

بعضی رفتارها ممکن است خیلی به چشم نیاید و از بس همه از روی دست هم آن را تکرار می کنند، متوجه نکات ریزش نیستند. آداب رفتاری فروشنده و مشتری هم از آن دست آدابی است که جای بحث دارد. گاهی از فروشنده انتظاراتی می رود و گاهی از مشتری که در صورت برآورده نشدن آن، اعصاب دو طرف را به هم می ریزد. خوب است به این برخورد دو سویه توجه کنیم. به عنوان مثال:

❖ با خودمان که تعارف نداریم، خیلی وقت ها واقعاً قصدمان خرید نیست و آمده ایم گشتی بزنیم. در این صورت به یک نگاه اجمالی به اجناس بسنده کنیم و با سوالات کلیشه ای مثل «بروم خودش را بیاورم»، «اگر آن رنگ دیگرش را داشتید می خواستم» و... مزاحم فروشنده نشویم.

❖ درست است وارد مغازه ای شده ایم برای این که اجناس و کالاها را

ببینیم، اما یک سلام و تشکر و خداحافظی از فروشنده که دیگر خیلی سخت نیست.

❖ این که چرا بعضی فروشندگان تصور می کنند «اگر برای فروش کالای خود متوسل به زور و فشار شوند، نتیجه بهتری خواهد داشت»، سوالی است که تا به حال در طول تاریخ به آن پاسخی داده نشده! خوب است فروشندگان محترم بدانند که اگر مشتری نیاز به راهنمایی آن ها داشته باشد، خودش می گوید. لازم به هدر دادن این همه انرژی نیست.

❖ فروشنده ها معمولاً در ذهن مشتریان خاطره سازی می شوند. به طور کلی اگر فروشنده ای خوش رو و خوش صحبت باشد، برای دفعات بعد هم از او خرید خواهیم کرد. فروشنده عصبانی، هر چند کالای با کیفیتی را هم عرضه کند، اخلاقش مانع از خرید دوباره از او خواهد شد.

اگر دوچرخه سوار نیستید هم بخوانید

درست است که فرهنگ دوچرخه سواری برای تردد در شهر هنوز خیلی جا نیفتاده است اما شاید یادآوری بعضی نکات حول روابط متقابل دوچرخه سواران و خودروها یا عابران پیاده خیلی بی ارتباط با موضوع پرونده نباشد. در این قسمت قرار نیست از قوانین وضع شده برای دوچرخه سواران بگویم. اما خوب است دوچرخه سواران هم کم کم از این حالت بینابینی وسیله نقلیه بودن یا نبودن (! بیرون بیایند و بدانند که دوچرخه یک وسیله نقلیه است و آن ها در نقش راننده خود را ملزم به رعایت قوانین بدانند. برای مثال:

❖ شما به عنوان یک دوچرخه سوار، لطفاً این مجوز را به خود ندهید که خیابان یک طرفه را بر عکس برانید چرا که با این کار خودروهای دیگر ممکن است از مسیر خود منحرف شوند و برای خودتان هم در درس درست کنید.

❖ خوب است برای بقیه راننده ها قابل پیش بینی باشید و در یک خط برانید و به طور ناگهانی بین خودروها تغییر مسیر ندهید. اگر دوچرخه تان رنگ یا بوق ندارد حداقل با علامت به دیگران بگویید می خواهید دور بزنید.

❖ وقتی شما راننده ها را می بینید، دلیل نمی شود که آن ها هم شما را می بینند. باید هنگام دوچرخه سواری در روز و شب، طلوع و غروب یا هوای مه آلود، به راحتی دیده شوید. دوچرخه شما باید حتما چراغ داشته باشد و پوشیدن لباس هایی که نور را منعکس می کند هم، به بهتر دیده شدنتان کمک می کند.

❖ فقط یک عابر پیاده می داند که تردد دوچرخه یا موتور سیکلت از پیاده روهای تنگ چه قدر هراس آور و ناخوشایند است.

❖ دوچرخه سوار عزیز چراغ قرمز برای شما هم قرمز است! حق بقیه را ضایع نکنید! حق الناس همین چیزهای ساده است که گاهی به راحتی آن را فراموش می کنیم!

از طرف دیگر، عابران پیاده و رانندگان خودروها هم باید در برخورد با دوچرخه ها مراعات کنند.

❖ در حال قدم زدن در پیاده رو هستید یا حواستان نیست که روی خط مشخص مخصوص دوچرخه سوارها ایستاده اید. خیلی هم خطای بزرگی به نظر نمی رسد اما با این کار، یا دوچرخه سوار را می فرستید داخل یاغچه یا باعث برخوردی به دیگران می شوید. بهترین حالتش هم این است که او را متوقف می کنید و شاهد چهره در همش خواهید بود.

❖ راننده خودرو باید بداند که دوچرخه سوار، بیشتر از سمت راست خیابان حرکت می کند. پس به سرعت پارک کردن یا از پارک خارج شدن، به سرعت در خودرو را باز کردن و پیاده شدن بدون نگاه کردن، ممکن است دوچرخه سوار را از مسیرش منحرف کند و باعث مشکل شود.



❖ درست است بازار کساد است و حوصله فروشنده گان از این بی رونقی سر

می رود. اما بعضی وقت ها فروشنده ها جلوی در مغازه شان چنان حالتی به خود می گیرند، که انگار داری از مقابل حراست دانشگاه عبور می کنی. می دانید که چه می گویم؟!

❖ فروشنده عزیز، اگر جلوی مغازه لم داده ای یا اگر داخل مغازه در حال تماشای فوتبال هستی، اگر چرت می زنی یا در فکر هستی به خریدار ربطی ندارد! بابت جواب دادن به یک سوال ساده نباید زُست و لحنی بگیرید که انگار منت سر خریدار گذاشته اید و قیمت کالای تان را گفته اید!

❖ مغازه داران گرامی! کوچه پس کوچه های هر محل را به خوبی بلدند، پس عجیب نیست اگر شهروندی محترمانه از آن ها آدرس بپرسد! پاسخ دادن هم خدمت ویژه ای نیست! لطفی است ساده که دعای خیر را به دنبال دارد!